

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۱

درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

سطح ۲

درس ۱۹

استاد: حجت الاسلام و المسلمین امینی

آموزشیار: سید هادی ساجدی

مقدمه

در ادامه بررسی مستندات احکام غسل جنابت، در این درس نخست دلیل دو حکم باقی مانده از احکام غسل جنابت یعنی دلیل بنای بر صحت در صورت شک در خود عمل و همچنین بعد از پایان عمل را بیان می‌کنیم. موضوع اصلی این درس اعمالی است که بر شخص جنب حرام می‌باشد. این چهار عمل عبارتند از: دست زدن به نوشته‌های قرآن، خواندن آیه‌های سجده دار، توقف در مسجد و قرار دادن چیزی در مسجد. پس از بیان محرمات جنب به بررسی ادله‌ی اثبات آنها خواهیم پرداخت.

متن عربى

٨- و اما البناء على صحته لو شك فيها بعد الفراغ منه ، فلقاعدة الفراغ المستفادة من موثقة محمد بن مسلم عن أبى جعفر عليه السلام: «كلّ ما شككت فيه ممّا قد مضى فامضه كما هو».

٩- و اما صحّة الصلاة لو شك بعدها فى صدور الغسل، فلقاعدة الفراغ الجارية فيها. و اما لزوم إعادته لما يأتى فلاستصحاب عدم تحقّقه.

و اذا قيل: ان الاستصحاب المذكور جار بلحاظ الصلاة الاولى ايضاً، فكيف حكم بصحتها دون ما بعدها؟ قلنا: انه بلحاظ الاولى يوجد حاكم عليه، و هو قاعدة الفراغ بخلافه بالنسبة الى بقية الصلوات.

المحرّمات على الجنب

يحرم على الجنب:

١- مسّ كتابة القرآن الكريم: و الحقّ المشهور بذلك لفظ الجلالة و الصفات الخاصة بالذات المقدّسة.

ب- قراءة سور العزائم او خصوص آية السجدة منها على الخلاف.

ج- دخول المساجد الا بنحو الاجتياز بالدخول من باب و الخروج من آخرها بالنسبة الى المسجدين الشريفين، فانه يحرم ذلك فيهما ايضاً.

و يجدر الحاق المشاهد المشرفة بالمساجد.

د- وضع شىء فى المساجد.

و المستند فى ذلك:

١- و اما حرمة مسّ كتابة القرآن الكريم ، فلموثقة أبى بصير: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عمّن قرأ فى المصحف و هو على غير وضوء؟ قال: لا بأس و لا يمسّ الكتاب» بعد ضمّ الاولوية او ان الجنب مصداق لمن لا وضوء له.

٢- اما لفظ الجلالة ، فالمشهور عدم جواز مسّ الجنب له لموثقة عمّار بن موسى عن أبى عبد الله عليه السلام : «لا يمسّ الجنب درهما و لا ديناراً عليه اسم الله...».

الا ان فى مقابلها موثقة إسحاق بن عمّار عن أبى إبراهيم عليه السلام : «سألت عن الجنب و الطامث يمسّان أيديهما الدراهم البيض؟ قال: لا بأس».

و جمع بينهما بحمل الاولى على مسّ اسم الجلالة و الثانية على مسّ الدرهم الذى فيه اسم الجلالة من دون مس اسمه . و هذا ان تمّ فلا اشكال و الا فالمناسب الجمع بحمل الاولى على الكراهة لصراحة الثانية على الجواز، فترفع اليد عن ظهور الاولى فى الحرمة بالحمل على الكراهة.

٣- و اما الالفاظ الدالّة على الصفات الخاصة، فان وصلت الى حدّ العلمية و عدّها اسماً من اسمائه شملتها موثقة عمار و كان حكمها حكم لفظ الجلالة و الا بقى حكم مسّها مشمولاً لاصالة البرائة.

٤- و اما حرمة قراءة آية السجدة، فمما لا خلاف فيه و انما الخلاف في تعلّقها بها بالخصوص او بقراءة اى واحدة من آيات سور العزائم.

و تدل على الاول صحیحة زرارة عن أبى جعفر عليه السلام: «... الحائض و الجنب هل یقرآن من القرآن شیئا؟ قال: نعم ما شاء إلا السجدة...» و غيرها، فان كلمة «السجدة» ان لم تكن ظاهرة في خصوص آية السجدة فلا اقل من اجمالها و ترددها بين الآیة و السورة، و لازمه الاقتصار على المتیقن، و هو الآیة، و يرجع فى ما زاد الی اطلاق ما دلّ على جواز قراءة الجنب للقرآن، من قبیل صحیحة زید الشحام عن ابى عبدالله عليه السلام : «الحائض تقرأ القرآن، و النفساء و الجنب ایضاً».

ادامه ادله احکام غسل

دلیل بنای بر صحت گذاشتن در صورت شک در صحت پس از پایان عمل

اگر مکلفی پس از انجام غسل در صحت آن شک کرد، بنا بر صحت آن می‌گذارد و به شکش اعتنایی نمی‌کند. دلیل این حکم قاعده‌ی فراغ است که از موثقه^۱ محمد بن مسلم استفاده می‌شود.

بر اساس این روایت امام باقر (ع) می‌فرمایند: در هر چیزی که انجامش داده‌ای و پایان یافته است، اگر شک کردی از آن همانگونه که هست بگذر و به شکت اعتنا نکن. و این همان مفاد قاعده فراغ است.

دلیل صحیح بودن نماز بعد از پایان آن در صورت شک در انجام غسل و لزوم غسل برای اعمال

بعدی

اگر مکلف بعد از انجام نماز در اصل غسلی که نماز را با آن خوانده شک کند، نمازش صحیح است و به شکش اعتنا نمی‌کند. دلیل این حکم نیز قاعده فراغ است. اما نسبت به اعمالی که نیاز به طهارت دارند و مکلف قصد انجامشان را دارد، باید دوباره غسل کند. دلیل آن استصحاب عدم طهارت است.

اشکال: همین استصحاب در نماز اول هم جاری می‌شود، پس چگونه در آن نماز حکم به صحت می‌شود و در بقی حکم به وجوب اعاده غسل؟

پاسخ: درست است که استصحاب در همان نماز اول هم جاری است، اما در آنجا قاعده فراغ وجود دارد و این قاعده بر استصحاب حکومت دارد لذا حکمش نافذ می‌گردد. اما نسبت به اعمال آینده چنین حکومتی وجود ندارد.

تطبیق

۸- و اما البناء علی صحته لو شک فیها بعد الفراغ منه ، فلقاعدة الفراغ المستفادة من موثقة محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام: «كل ما شككت فيه مما قد مضى فامضه كما هو».

و اما بنای بر صحت گذاشتن اگر در صحت غسل بعد از انجام آن شک کند، پس به دلیل قاعده فراغ است که از موثقه محمد بن مسلم از امام باقر (ع) استفاده می‌شود: «هر چه را در آن شک کردی از آنچه گذشته است (و آن را به پایان برده‌ای) پس از آن بگذر همانگونه که هست (آن را به حال خودش رها کن).

۹- و اما صحّة الصلاة لو شك بعدها فی صدور الغسل، فلقاعدة الفراغ الجارية فيها.

و اما صحت نماز اگر بعد از آن در انجام غسل شک کرد، پس به دلیل قاعده فراغ است که در آن جاری می‌شود. و اما لزوم اعاده نماز لما یأتی فلاستصحاب عدم تحققه.

و اما لزوم اعاده غسل برای اعمال آینده پس به دلیل استصحاب عدم تحقق آن است.

و اذا قيل: ان الاستصحاب المذكور جار بلحاظ الصلاة الاولى ايضاً، فكيف حكم بصحتها دون ما بعدها؟

^۱. وسائل الشیعة الباب ۲۳ من أبواب الخلل الحدیث ۳.

و اگر گفته شود (اشکال شود): استصحاب ذکر شده در مورد نماز اول هم جاری است، پس چگونه حکم به صحت آن شد و در بعد آن نشد؟

قلنا: انه بلحاظ الاولی يوجد حاکم علیه، و هو قاعدة الفراغ بخلافه بالنسبة الى بقية الصلوات.

پاسخ می‌دهیم: همانا در مورد اولی حاکم بر آن یافت می‌شود، و آن قاعده فراغ است (که در اینجا بر استصحاب حکومت دارد) بخلاف آن نسبت به بقیه نمازها.

SCO1 → ۸:۳۸

کارهایی که بر جنب حرام است:

اول: بر فرد جنب حرام است که به نوشته های قرآن دست بزند. مشهور فقهاء لفظ جلاله و همچ نین صفاتی مثل الرحمن که مخصوص ذات خداوند متعال است را به نوشته‌های قرآن ملحق کرده اند.

دوم: خواندن سوره‌های سجده دار بر جنب حرام است. البته در اینجا اختلاف نظری وجود دارد در اینکه خواندن کل سوره حرام است یا تنها همان آیه سجده دار.

سوم: وارد مسجد شدن بر جنب حرام است، مگر اینکه به عبور کردن باشد به این صورت که از دری وارد و از در دیگر خارج شود. البته این استثناء در مورد مسجد الحرام و مسجد النبی وجود ندارد. یعنی حتی عبور از آنها هم حرام است.

شایسته است مشاهد مشرفه را هم در این حکم به مساجد ملحق کنیم.

چهارم: قرار دادن چیزی در مسجد بر جنب حرام است.

- | | | |
|---|---|--------------------------|
| ۱. دست زدن به نوشته‌های قرآن و لفظ جلاله... و همچنین صفات مخصوص به مانند الرحمن.
۲. خواندن آیه‌های سجده دار
۳. وارد شدن در مسجد
۴. گذاشتن چیزی در مسجد | } | اموری که بر جنب حرام است |
|---|---|--------------------------|

تطبیق

المحرّمات علی الجنب

محرمات بر جنب

یحرم علی الجنب:

بر جنب حرام است:

ا- مسُّ کتابة القرآن الکریم: و الحقّ المشهور بذلک لفظ الجلاله و الصفات الخاصة بالذات المقدّسة.

لمس نوشته قرآن کریم: و مشهور لفظ جلاله و صفات مختص به ذات مقدسه را به آن ملحق کرده اند.

ب- قراءه سور العزائم او خصوص آیه السجدة منها علی الخلاف.

خواندن سوره‌های سجده دار یا خصوص آیه سجده دار از آنها بر اساس اختلافی (که در آن وجود دارد).

ج- دخول المساجد الا بنحو الاجتياز بالدخول من باب و الخروج من آخرالا بالنسبة الى المسجدين الشريفين، فانه يحرم ذلك فيهما ايضاً.

ورود در مساجد مگر به شکل عبوری به صورت ورود از دری و خروج از در دیگر، مگر نسبت به دو مسجد شریف، (مسجد الحرام و مسجد النبی) پس همانا عبور از آن دو حرام است. و یجدر الحاق المشاهد المشرفة بالمساجد. و شایسته است الحاق مشاهد مشرفه به مساجد.

د- وضع شیء فی المساجد.

قرار دادن چیزی در مساجد.

SC02→۱۴:۴۳

ادله احکام ذکر شده:

دلیل حرمت مسّ نوشته قرآن کریم

دلیل حرمت لمس نوشته قرآن کریم بر جنب، موثقه^۱ ابو بصیر^۲ است. او می گوید از امام صادق (ع) در مورد کسی پرسیدم که وضو ندارد و قرآن خوانده است؟ حضرت فرمود: خواندن اشکالی ندارد اما نباید قرآن را لمس کند. این روایت در مورد وضو صادر شده است و برای استفاده از آن در مورد جنب باید مقدمه ای را به آن اضافه کنیم: اول اینکه می توانیم از اولویت استفاده کنیم، به این بیان که وقتی شخص بی وضو حق دست زدن به قرآن را ندارد، جنب به طریق اولی چنین حقی ندارد. دیگر اینکه بگوییم یکی از مصادیق فرد بی وضو، شخص جنب است چون او وضو ندارد، پس حق لمس آیات قرآن را ندارد.

دلیل حرمت لمس اسم خدا

مشهور فقهاء در مورد اسم خدا به هر زبانی که باشد، قائل به حرمت مسّ جنب هستند. دلیل آنها روایتی^۳ از امام صادق (ع) است که در آن حضرت می فرمایند جنب نباید درهم و دیناری که اسم خدا بر آن است را لمس کند.

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۲ من أبواب الوضوء الحدیث ۱.

۲. ابو بصیر کنیه ای است مشترک بین یحیی بن قاسم و لیث بن بختری. گر چه هر دو راوی ثقة هستند اما آنگاه که بدون قرینه به کار می رود مراد یحیی بن قاسم است.

۳. وسائل الشیعة الباب ۱۷ من أبواب الخلوة الحدیث ۵.

در مقابل، روایت^۱ دیگری وجود دارد که امام (ع) به صراحت فرمودند: لا باس یعنی اشکالی ندارد. گروهی از فقهاء در مقام جمع بین این دو فرموده اند: مراد از روایت اول لمس خود اسم خدا بر پول است اما مراد روایت دوم که گفت اشکالی ندارد لمس خود درهم و دینار است بدون آنکه دست جنب به اسم خدا بخورد. مصنف چندان به این جمع راضی نیست و بیان می‌دارد مناسب این است که اولی را حمل بر کراهت کنیم چرا که روایت دوم صریح در جواز است به همین خاطر دست از ظهور روایت اول در حرمت برداشته و آن را حمل بر کراهت می‌کنیم.

تطبیق

و المستند فی ذلک:

و دلیل بر آن:

۱- و اما حرمة مسّ کتابة القرآن الکریم ، فلموثقة أبی بصیر: «سألت أبا عبد الله علیه السلام ع من قرأ فی المصحف و هو علی غیر وضوء؟ قال: لا بأس و لا یمسّ الكتاب» بعد ضمّ الاولویة او ان الجنب مصداق لمن لا وضوء له.

و اما حرمت لمس نوشته قرآن کریم، پس بدلیل موثقه ابو بصیر است: «از امام صادق (ع) پرسیدم در مورد کسی که قرآن خوانده در حالی که وضو نداشته است؟ گفت: اشکالی ندارد و نباید قرآن را لمس کند.» بعد از ضمیمه کردن اولویت یا اینکه جنب مصداقی است برای کسی که وضو ندارد.

۲- اما لفظ الجلالة ، فالمشهور عدم جواز مسّ الجنب له لموثقة عمّار بن موسی عن أبی عبد الله علیه السلام : «لا یمسّ الجنب درهما و لا دینارا علیه اسم الله...».

اما لفظ جلاله، پس مشهور عدم جواز مسّ آن توسط جنب است بدلیل موثقه عمّار بن موسی از امام صادق (ع): «جنب نباید درهم و دیناری که اسم خدا بر آن است را لمس کند...».

الا ان فی مقابلها موثقة إسحاق بن عمّار عن أبی إبراهیم علیه السلام : «سألته عن الجنب و الطامث یمسّان أیدیهما الدرهم البیض؟ قال: لا بأس».

جز اینکه در مقابل آن موثقه اسحاق بن عمّار از امام کاظم (ع) است: «از او در مورد جنب و حائض پرسیدم (آیا می‌توانند) دستشان را بر درهم‌های سفید(نقره) بکشند؟ فرمود: اشکالی ندارد».

و جمع بینهما بحمل الاولی علی مسّ اسم الجلالة و الثانية علی مسّ الدرهم الذی فیہ اسم الجلالة من دون مس اسمه. و جمع شده است بین این دو روایت به حمل اولی بر لمس اسم خدا و دومی بر لمس درمی که اسم خدا در آن است بدون مس اسم خدا.

و هذا ان تمّ فلا اشکال و الا فالمناسب الجمع بحمل الاولی علی الکراهة لصراحة الثانية علی الجواز، فترفع الید عن ظهور الاولی فی الحرمة بالحمل علی الکراهة.

^۴. وسائل الشیعة الباب ۱۸ من أبواب الجنابة الحدیث ۲.

و این جمع اگر تمام باشد پس اشکالی نیست و الا پس مناسب جمع به حمل اولی بر کراحت است بدلیل صراحت روایت دوم بر جواز، پس دست برداشته می شود از ظهور اولی در حرمت با حمل آن بر کراحت.

Scor³→۲۳:۴۶

دلیل حرمت لمس صفات خاص خدا

صفات خداوند متعال دو دسته اند؛ یا اینکه مختص به او هستند یعنی برای خدا عَلم شده اند و فقط برای او به کار می روند مانند صفت الرحمن، و یا اینکه در مورد دیگران هم استفاده می شوند. لمس دسته اول برای جنب حرام است، زیرا در این صورت اسم خدا به حساب می آید، در نتیجه همان موثقه قبلی عمّار آنها را دربر می گیرد. لمس دسته ی دوم حرام نیست، چرا که اصل برائت آنها را پوشش می دهد.

دلیل حرمت خواندن آیه سجده دار

حرمت خواندن خود آیه سجده دار جای بحث ندارد، اما اختلاف نظر در این است که آیا تنها خواندن همان آیه حرام است یا خواندن همه آیات آن سوره اشکال دارد؟
منشا اختلاف روایتی^۱ از امام باقر (ع) است که از آن حضرت سوال شد : آیا حائض و جنب می توانند قرآن بخوانند؟ حضرت فرمودند: بله هر چه بخواهند مگر سجده.

محل ابهام همان واژه سجده است که نفی دانیم مراد از آن آیه سجده است یا سوره سجده دار؟ چه بسا ادعا کنیم که ظهور در آیه سجده دارد لذا فقط خواندن همان آیه حرام است. اگر نپذیرفتیم که ظهور در آیه سجده دارد، حداقل بین آیه و سوره مردّد است و اجمال دارد. در صورت اجمال باید قدر متیقّن که حرمت خود آیه است را معتبر بدانیم و نسبت به آیات دیگر سوره های سجده دار به اطلاق روایاتی مثل صحیححه^۲ زید الشحّام که خواندن قرآن برای جنب را جایز می دانند تمسّک می کنیم.

تطبيق

۳- و اما الالفاظ الدالّة على الصفات الخاصّة، فان وصلت الى حدّ العلمیة و عدّها اسماً من اسمائه شملتھا موثقة عمار و كان حکمها حکم لفظ الجلالة و الا بقى حکم مسّها مشمولاً لاصالة البرائة.

۳-و اما الفاظی که بر صفات خاص دلالت دارند، پس اگر به حدّ علم یّت و (میزانی که) اسمی از اسماء خدا به حساب آید، رسیدند موثقه عمّار آنها را در بر گرفته و حکمشان حکم لفظ جلاله است. و الا حکم لمس آنها تحت شمول اصل برائت باقی می ماند.

۴- و اما حرمة قراءة آية السجدة، فمما لا خلاف فيه و انما الخلاف في تعلّقها بها بالخصوص او بقراءة ای واحدة من آیات سور العزائم.

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۹ من أبواب الجنابة الحدیث ۴.

۲. وسائل الشیعة الباب ۱۹ من أبواب الجنابة الحدیث ۱.

۴- اما حرمت خواندن آیه سجده، پس از آن مباحثی است که در آن خلافتی نیست و اختلاف تنها در تعلق حرمت به خصوص آیه سجده است یا به خواندن هر یک از آیات سوره سجده دار.

و تدل علی الاول صحیحہ زرارة عن أبی جعفر علیه السلام: «... الحائض و الجنب هل یقرآن من القرآن شیئا؟ قال: نعم ما شاء إلا السجدة...» و غیرها، فان کلمة «السجدة» ان لم تكن ظاهرة فی خصوص آية السجدة فلا اقل من اجمالها و تردها بین الآیة و السورة، و لازمه الاقتصار علی المتیقن، و هو الآیة،

و دلالت می کند بر اول (حرمت خصوص آیه سجده دار) صحیحہ زراره از امام باقر (ع): «... حائض و جنب آیا چیزی از قرآن (می نخوانند) بخوانند؟ فرمود: بله هر چه خواستند مگر سجده...» همانا کلمه «السجده» اگر ظاهر در خصوص آیه سجده دار نباشد لاقول مجمل است و میان آیه سجده دار و سوره سجده دار مردد می باشد و لازمه آن معتبر دانستن قدر متیقن (یعنی آیه سجده دار) است.

و یرجع فی ما زاد الی اطلاق ما دلّ علی جواز قراءة الجنب للقرآن، من قبیل صحیحة زید الشحام عن ابی عبدالله علیه السلام: «الحائض تقرا القرآن، و النفساء و الجنب ایضاً».

و در مقدار زائد، به اطلاق روایاتی که بر جواز خواندن قرآن (توسط) جنب دلالت دارند، رجوع می شود، از قبیل صحیحہ زید الشحام از امام صادق (ع): «حائض قرآن می خواند، و همچنین زن نفساء و جنب».

چکیده

۱. دلیل عدم اعتناء به شک و بنای بر صحت گذاشتن در صورت شک در صحت غسل پس از انجام آن، قاعده‌ی فراغ است.
۲. پس از انجام واجبی مثل نماز و شک در اصل انجام غسل نیز استصحاب عدم جاری است، اما به دلیل حضور قاعده‌ی فراغ، نماز صحیح است؛ زیرا این قاعده بر استصحاب حکومت دارد. ولی برای نمازهای بعدی باید غسل کرد.
۴. انجام چهار عمل بر جنب حرام است: دست زدن به نوشته‌های قرآن، خواندن آیه‌های سجده دار، توقف در مسجد و قرار دادن چیزی در مسجد.
۵. برای اثبات حرمت دست زدن جنب به نوشته‌های قرآن از روایت حرمت آن برای بی وضو، یا باید از اولویت استفاده کرد یا اینکه باید گفت جنب نیز یکی از مصادیق شخص بی وضوست.
۶. وجه جمع دو دسته روایت در مورد دست زدن جنب به درهم و دیناری که اسم خدا بر آن است، این است که روایات منع را بر کراهت حمل کنیم؛ زیرا دسته دوم تصریح به جواز دارند.
۷. صفات خداوند متعال دو دسته اند: صفات مختص که فقط برای او به کار می روند مانند صفت الرحمن، و صفاتی که برای غیر خدا هم به کار می روند. به آن حد نرسیده اند. لمس دسته اول به دلیل موثقه عمّار برای جنب حرام است، اما لمس دسته‌ی دوم به دلیل اصل براءت حرام نیست.
۸. در اینکه خواندن سوره سجده دار حرام است یا آیه سجده دار، چه بسا ادّعا کنیم واژه سجده در کلام امام (ع) ظهور در آیه سجده دارد و اگر هم ظهور را نپذیریم، عبارت مجمل است لذا به قدر متیقّن که حرمت آی ه است بسنده می کنیم.